

عرفان در آیینه‌ی ذهن انسان

جستارهایی درباره‌ی عرفان و عارفان بزرگ ایرانی:
مولانا، عطار و...

دکتر قدمعلی سرامی

نشر ترفند

سرشناسه	سرامی، قدمعلی، ۱۳۲۲-
عنوان و نام پدیدآور	عرفان در آیینی ذهن انسان: جستارهایی درباره‌ی عرفان و عارفان بزرگ ایرانی: مولانا، عطار و... / قدمعلی سرامی.
مشخصات نشر	تهران: ترفند، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۵۵۶ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۹۶۳-۰۳-۸
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
مادداشت	کتابنامه.
موضوع	عرفان در ادبیات
موضوع	عرفان -- ایران
موضوع	عارفان -- ایران
رده‌بندی کنگره‌ای	۱۳۹۲ / ۴ س ۴۴۲ / PIR ۴۴۲
رده‌بندی دیویی	۸۳۸ / ۸۴۰
شماره‌ی کتابشناسی ملی	۳۲۰۶۴۰۱



تلفن: ۰۹۱۲۳۳۳۰۶۸-۶۶۰۲۲۲۶۵

www.arfand.persianbook.net

عرفان در آیینی ذهن انسان
 جستارهایی درباره‌ی عرفان و عارفان بزرگ ایرانی: مولانا، عطار و...
 دکتر قدمعلی سرامی
 (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان)

طراح جلد: امیریارشار عبدالله‌زاده • ویراستار و نسخه‌پرداز: ناهید سلیمانی
 واژه‌نگار و صفحه‌آرا: ورجاوند • مدیرتولید: نیایش سرامی

نوبت چاپ نخست ۱۳۹۲ • شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

قیمت ۲۳۰۰۰ تومان • شماره نشر ۱۱۱

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۶۳-۰۳-۸

© حق چاپ: ۱۳۹۲، انتشارات ترفند

فهرست

- سرسخن ۷
خاموش تخلص مولانا نیست ۹
پردگی راز ۵۰
چرخ، آشوب و زلزله ۵۷
امید در اندیشه‌ی مولوی ۷۳
تعلیم و تربیت در عرفان ۱۲۱
رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند ۱۴۲
کودکان؛ عارفان راستین ۱۶۸
سرگردانی میراث آبا و اجدادی ما انسان‌هاست ۱۹۸
دانش مستی ۲۵۰
سفرنامه‌ی امید ۲۸۱
تجلی آینه در ادبیات عرفانی ایران ۳۰۳
ادبیات فارسی و روان‌شناسی ۳۴۴
کودکی و عرفان ۳۸۰
راه بی‌پایان ۴۰۵
باباطاهر و پانتیسم ۴۳۳
باباطاهر و عرفان ۴۵۳
از عرفان تا سوررئالیسم ۴۹۹
کتاب‌نما ۵۳۷

سر سخن

اگرچه اول و آخر «نوشتن» نون است اما هیچ کدام از آن دو، کوچک و بزرگ، برای نویسندگان، سیری شکم به ارمان نمی آورد. به همان گونه که نون های پیشین و پسین حرف نون نیز خوردنی نیستند. اصلاً به انگاشت من، قلم وردنه ی نانوائی نیست که بتوان با آن نانی پختن کرد و خوانی گسترده. وقتی می نویسم، اندک اندک خود را گم می کنم و سجده های پیاپی و بی گسست قلم، مرا از من وای می گیرد و با او یگانه می کند.

«طاووس کاروان تماشا است نقش و نگار شعبده گویاست
عیاروار می نگرد یسار در جوش چشمه سار نوشتار
کورم ولی عصای من انگار چشمی به راه دارد و بیدار
بیناست خامه، راه شناس است هر گام او، سجود سپاس است.»^۱

نوشتن برای من پیوستگی با اوست. دشمن نمایی دوست:

«زورق بسر اقیانوس جاری بدین پاروست
هم دست دستانکار هم دسته ی جاروست
جـــــــــاروب «لا» آری روبان غیر از اوست

از خود روان تا خویش از خویش تا جسادوست
از خامه کردم مغز از برگ کاغذ پوست
در حجله‌ی هر حرف آنک زنسی با شوست.

این زن و شوهری که در حجله‌ی هر حرف با هم هماغوشی می‌کنند، صورت‌های صوتی و تصویری‌اند. نوشتار هر حرف، شوی و شفتار یا خوانندار آن، زن است. ما سخن را معجونی از راز و نیاز می‌بینیم. نوازی شگرف تا ماورای جان و نیازی ژرف تا مغز استخوان، آری، آفرینش هنری از هر دست که باشد به عبادت می‌ماند به راستی و درستی. کسی که سخن می‌آفریند و کسی که از آن برخوردار می‌یابد هر دو، در ردیف کسانی‌اند که با حضور قلب عبادتی را به جای آورده‌اند.

حتا نوشتن پژوهشی که با انوهی از خودآگاهی مایه‌ور است سخت در گروی ناخودآگاهی ماست، چون وقتی آدم می‌خواهد حاصل تحقیقاتش را هم روی کاغذ بیاورد، روان پنهان در چند و چون بیانشان، نقش‌ها بازی می‌کند. اگر نویسنده به معنای راستین کلمه، نویسنده باشد، همیشه گروه‌گان ناخودآگاهی خویش است.

به هر روی وقتی کار نویسنده پایان می‌پذیرد که نوشته‌ی او را خواننده‌ای بخواند و میان دو روان بدین‌ترفند، پیوندی چونان پیوند زناشویی صورت گیرد. وقتی می‌نویسیم، در حقیقت نطفه‌ی روان خود را به منصفی برهوز و ظهور درمی‌آوریم و وقتی کسی نوشتار ما را می‌خواند یا می‌شنود، به گونه‌ای از آن بارور می‌شود. میان هنرمندان و هنردوستان، همیشه زناشویی روانی صورت می‌بندد.

امیدوارم، این جستارهای من، هر دو پاره‌ی روان شما را خرسند کند و از خواندنشان لذت‌های مضاعف ببرید.

۱۳۰۹۰/۹/۲۰

قدمعلی سرامی